

نگاه قرآن به تاریخ

محمدحسن مکارم
مدرس مراکز تربیت معلم
و مرکز آموزش نیروی انسانی فارس

آموزه‌های قرآنی

مطالعه تاریخ را نباید یک سرگرمی و به منظور پُر کردن اوقات بیکاری تلقی کرد، تاریخ پل ارتباطی میان نسل‌های متوالی بشر است. برای دسترسی به تجربه‌ها و اندوخته‌های پیشینیان، تاریخ را از سه منظر می‌توان نگرست: معانی تاریخ، علم تاریخ و فلسفه تاریخ.

معانی تاریخ

ثبت و ضبط حوادث زندگی گذشته بشر روی کره زمین و آگاه شدن از این وقایع و حوادث و به قول ابن خلدون در «مقدمه»: بیان سرگذشت ملت‌ها، پیامبران و پادشاهان. این منظر که می‌توان آن را «تاریخ نقلی» نامید، از نظر اعتبارسنجی، مورد بحث و گفت‌وگوست. بعضی معتقدند که تاریخ مملو از جعل و تحریف است و توسط پادشاهان و متنفذان، مصادره به مطلوب شده و قابل اعتماد نیست. کسانی که این قدر بدبین نیستند، می‌گویند هر مورخی، ناخواسته، تحت تأثیر سلاقی و عقاید خود بوده و بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی‌هایی در نقل حوادث تاریخی اعمال کرده است.

البته شواهدی در این خصوص هست و ما خود دیدیم که چگونه سال ۱۳۵۵ هجری شمسی را به ۲۵۳۵ تغییر دادند تا مسیر تاریخ ایران را تغییر دهند؛ یا جعل داستان کتاب سوزی اسکندریه و یا مسئله «هولوکاست» که امروزه در کم و کیف وقوع آن تردیدهایی پیدا شده است. عقل حکم می‌کند که خود را از تاریخ نقلی محروم نکنیم اما ابزار راستی آزمایی را هم به دست آوریم.

یکی از سنت‌های عمومی الهی این است که هر تغییر و تحولی در سرنوشت جوامع بشری منوط به خواست و اراده و تلاش خودشان است: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. بِنَابِرَإِنَّ، نَبَأُإِنَّ عَقِبَافْتَادُكِيهَائِي مَسْلَمِينَ رَا بَه ارَادَةُ اسْتَعْمَارِ نَسْبِتِ دَادِ وَ خُودِ رَا تَبْرُئُهُ كَرْدِ**

مورخ در این زمینه، شبیه کار فیلسوف است نه کار دانشمند علوم تجربی (جامعه و تاریخ، فصل چهارم).

فلسفه تاریخ

علم به تحولات و تطورات جوامع از مرحله‌ای به مرحله دیگر و قوانین حاکم بر این تحولات؛ به زبان دیگر، علم به «شدن» جامعه‌ها نه «بودن» آنها.

تاریخ از این منظر پاسخگوی سؤالاتی از این قبیل است: تاریخ به کجا می‌رود؟ چگونه می‌رود؟ سازوکار حرکت و محرک آن چیست؟ از چه راهی می‌رود؟ آیا تجربه‌بردار است؟ آیا قابل پیش‌بینی است؟ ... بعضی فلسفه تاریخ را به دو بخش جدا از یکدیگر تقسیم کرده‌اند، یکی به نام «فلسفه علم تاریخ» و دیگری «فلسفه نظری تاریخ».

قرآن و تاریخ

اکنون دنبال آنیم که نظر قرآن کریم را پیرامون مقوله تاریخ و کارایی آن بدانیم. آیا تاریخ عبارت است از دروغ‌پردازی‌های بی‌اعتبار و غیرمفید، یا به عکس، قابل استفاده، عبرت‌آموز و راهگشا؟ برای بررسی این موضوع، دیدگاه قرآن را در دو قسمت بررسی می‌کنیم؟

نگاه قرآن به

اجزای تاریخ

کافی است مروری بر اسامی سوره‌های قرآن کریم بیندازیم تا معلوم شود خداوند روی اجزای تاریخ

علم تاریخ

علم تحلیل و بررسی وقایع دوران‌های گذشته و کشف قواعد و سنن حاکم بر زندگی پیشینیان. در اینجا، حوادث گذشته بشر دست‌مایه و خمیرمایه قرار می‌گیرد تا روابط علی و معلولی بین آنها استنباط شود و یک سلسله قواعد و ضوابط قابل تعمیم به موارد مشابه به دست آید و چراغ راه آینده قرار گیرد. بدیهی است که علم تاریخ به این معنا، قابل مقایسه با علوم تجربی نیست که مواد آن در دسترس و قابل آزمایش‌اند؛ بلکه در اینجا به کمک عقل و ذهن و استدلال و قیاس به کشف قوانین حاکم بر تاریخ می‌رسیم.

به گفته استاد مطهری، تاریخ علمی برخلاف تاریخ نقلی، کلی است نه جزئی و عقلی است نه نقلی محض؛ کار

تاریخ

بر صاحبان گودال شکنجه باد، همان گودال‌های پرهیزم و شعله ور، هنگامی که کنار آن نشسته بودند و شکنجه‌هایی را که نسبت به مؤمنان انجام می‌گرفت تماشا می‌کردند.

توضیح اینکه «ذونواس» از پادشاهان یمن یهودی شده بود، اما عده‌ای از ساکنان شمال یمن، یعنی بحران، هنوز نصرانی مانده بودند. ذونواس آنان را به یهودیت خواند، نپذیرفتند، خندق عظیمی حفر کرد و آنان را یک جا سوزاند و جمعی را قطعه‌قطعه کرد. عده‌ای نیز به تماشا و لذت بردن از این صحنه‌ها نشسته بودند که مسلماً در جرم قاتلان شریک‌اند.

در آیه بعد می‌فرماید: هیچ ایرادی بر این‌ها (مؤمنان مسیحی) نداشتند، جز اینکه به خداوند عزیز و حمید ایمان آورده بودند. در تفسیر آمده است قیصر روم که مسیحی بود، به انتقام برخاست و لشکر ذونواس را به سزای شقاوت خود رساند و یمن را، علاوه بر حبشه، به نجاشی سپرد. این صفحه از تاریخ قرآنی، از یک سو استقامت مؤمنان را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، انتقام الهی را از کسانی که کوره آدم‌سوزی راه انداختند. تاریخی را که قرآن بازگو می‌کند، برخلاف تاریخی که مورخان نوشته‌اند، از مبدأ وحی صادر شده و خالی از هرگونه سهو و جعل و تحریف است، یعنی قابل اعتماد است، کما اینکه می‌فرماید: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ».

خداوند، خود را بازگوکننده بهترین قصه‌ها و سرگذشت‌ها لقب داده [نَحْنُ نَقُصُّ

گذشتگان نظر داشته و شرح حال شخصیت‌های تأثیرگذار و نیز اقوام و جوامع عبرت‌آمیز و آموزنده را آورده است؛ نوح، ابراهیم، یونس، محمد(ص)، یوسف، لقمان، مریم، مؤمن، انبیای بنی‌اسرائیل، هود، آل عمران، منافقون، کافرون و قریش نام سوره‌ها هستند.

طبق یک محاسبه داستان‌های مطرح شده در کتاب آسمانی ما به ۲۶۸ مورد می‌رسد که حجم قابل توجهی از قرآن کریم را به خود اختصاص می‌دهد. برخی از این داستان‌ها، به اختصار و در قالب یک یا چند آیه ذکر شده است، مانند ماجرای ابولهب در سوره لهب، عاصم بن وائل در سوره کوثر، عبدالله ابن ام مکتوم در سوره عبس، بلعم باعورا در سوره اعراف (آیه ۱۷۶-۱۷۵)، قوم عاد، اصحاب فیل، قوم تبع و اصحاب الرس. اما بعضی به گونه مفصل، مانند داستان حضرت یوسف (ع) که بیش از یکصد آیه فقط در سوره یوسف به آن تعلق گرفته، یا ماجراهای زندگی و رسالت پرنشیب و فراز حضرت موسی (ع) که در سوره‌های گوناگون پراکنده است و چندصد آیه را

در بر می‌گیرد و خود مشتمل بر حوادث تاریخی متعددی است، از جمله داستان ولادت موسی در خانه فرعون، موسی

در خانه شعیب، مقابله او با فرعون و هامان، کوچ دادن بنی‌اسرائیل به ارض موعود، درگیری با عمالقه، ایمان آوردن ساحران، ماجرای مؤمن آل فرعون، رویارویی موسی با قارون، ماجرای موسی و خضر، رفتن موسی به معابد، سرگذشت موسی و هارون و سامری، گاو بنی‌اسرائیل، قضیه روز شنبه و من وسلوی.

در اینجا یک نمونه از اجزای تاریخ را که قرآن معترض آن شده، بیان می‌کنم و آن

داستان «اصحاب اخدود» در سوره مبارکه بروج است. در ابتدا خداوند به

آسمان و ستارگان درخشان آن و سپس به روز رستاخیز و گواهان

اعمال و خود اعمال [شاهد و مشهود] سوگند می‌خورد،

آن‌گاه می‌فرماید: قَتِلْ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ، النَّارِ ذَاتِ

الْوَقُودِ، اذْهَبْ عَلَيْهِمْ قُعُودٌ...؛ مرگ و عذاب



حسن احمدی گیوی
(۱۳۹۱-۱۳۲۶)

استاد زبان و ادبیات فارسی،
تهران

اگرچه در کارنامه روان‌شاد دکتر حسن احمدی گیوی سابقه‌ای از خدمت در آموزش و پرورش وجود ندارد، ولی او از نادر استادانی بود که به آموزش زبان فارسی در حوزه دبیرستان خدمات شایانی کرد و آن به‌ویژه به دلیل کتاب دوجلدی «دستور زبان فارسی» است که با حسن انوری نوشت و یکی از بهترین آثار در این زمینه برای دانش‌آموزان است.

حسن احمدی گیوی در شهرستان گیوی (خلخال) متولد شد. در رشته‌های ادبیات فارسی، فلسفه و ادبیات فارسی تحصیل کرد و در دانشگاه تهران به خدمت مشغول شد تا در سال ۱۳۶۱ به بازنشستگی نایل آمد. وی از شاگردان برجسته بدیع‌الزمان فروزانفر بود و بیش از چهار دهه با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری کرد و ۲۴ جلد از ۲۲۲ جلد مجموعه لغت‌نامه را به نگارش درآورد. وی در مجموع بیش از ۵۰ جلد کتاب در زمینه ادبیات فارسی به رشته تحریر درآورد.

تاریخی را که قرآن بازگو می‌کند، برخلاف تاریخی که مورخان نوشته‌اند، از مبدأ وحی صادر شده و خالی از هرگونه سهو و جعل و تحریف است

امام گلچینی از اطلاعات خود را در اختیار فرزندش می‌گذارد. شایان ذکر است که آن‌ها را مأخوذ از تجربه گذشتگان و مطالعه تاریخ آنان اعلام می‌کند، نه از علم امامت خود!

علیک أحسن القصص و مکرراً، امر به تفکر در آن‌ها فرموده [فأقْصُصْ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ] و این کار را موجب عبرت و اعتبار خلاق دانسته است [لقد كان في قصصهم عبرة لأولی الألباب]. علی (ع) نیز مطالعه تاریخ را بسیار سودمند دانسته، در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید: فرزندم! هرچند من عمر همه پیشینیان را نداشته‌ام، اما در اعمال و اخبارشان چنان اندیشیده‌ام که چون یکی از آنان شده‌ام و گویی از اول عمرشان تا پایان با آنان بوده‌ام ... سپس امام گلچینی از اطلاعات خود را در اختیار فرزندش می‌گذارد. شایان ذکر است که آن‌ها را مأخوذ از تجربه گذشتگان و مطالعه تاریخ آنان اعلام می‌کند، نه از علم امامت خود!

نگاه قرآن به مجموع تاریخ

خداوند آیاتی را بیان فرموده که حاکی از قواعد و روابط علی و معلولی حاکم بر جامعه‌ها و تاریخ زندگی بشر است. ناگفته پیداست که در جهان‌بینی الهی، برخلاف جهان‌بینی ماتریالیستی، چهار نوع رابطه بین علت‌ها و معلول‌ها حاکم است، نه یکی. علت می‌تواند مادی یا معنوی باشد، همین‌طور معلول‌ها. لذا چهار حالت به‌دست می‌آید. مثلاً این‌که صدقه دفع بلا می‌کند یا ماتریالیسم قابل تعلیل نیست. قرآن مجید در نگاه کلی به تمامیت تاریخ، آن را رو به کمال می‌داند. در سوره نور وعده قطعی پیروزی مؤمنان و استخلاف آن‌ها را در زمین می‌دهد؛ در سوره قصص از اراده تخلف‌ناپذیر الهی بر پیروزی مستضعفان بر زمین و وراثت آن‌ها خبر می‌دهد. قرآن معتقد است که همواره بین طرفداران جبهه حق و حامیان جبهه باطل درگیری و مبارزه رخ می‌دهد، گاهی اینان و گاهی آنان پیروز می‌شوند، اما غلبه نهایی با جبهه حق است؛ انتظار موعود هم در همین راستا است [والعاقبه للمتقین].

قوانینی که از نظر قرآن بر جوامع بشری در طول تاریخ حاکم است بسیارند؛ در اینجا به چند نمونه می‌پردازیم.

الف. **رابطه الحاد و افساد با عذاب الهی:** این رابطه از آیات فراوانی مستفاد می‌گردد. سه مورد آن عبارت‌اند از:

۱. چه قریه‌ها که به خاطر خو کردن به رفاه و فساد برانداختیم (قصص - ۵۸).
۲. قریه‌ای بود در امن و فراخی، آنگاه به

نعمت‌های الهی کفر ورزیدند، خداوند آنان را به جوع و ناامنی کشاند (نحل ۱۱۲).
 ۳. قوم عاد و قوم فرعون که در زمین طغیان و فساد کردند و عذاب الهی بر آن‌ها فرود آمد (فجر ۱۲-۶).
 ب. **رابطه تحمل سختی و ورود به بهشت:** در آیه ۲۱۴ سوره بقره، از آنان که انتظار دارند بی‌زحمت وارد بهشت گردند، اظهار شگفتی نموده، بیان می‌دارد که این نعمت در گرو تحمل «بأساء ضراء» است و نیل به اضطراب و هراس. تا آنجا که پیامبر و مؤمنان با هم گفتند: متی نصرالله! (پس نصر خدا کو؟) و خداوند فرمود: **ألا ان نصر الله قریب.** در شأن نزول این آیه شریفه، به مشکلات جنگ احزاب و جنگ احد اشاره شده است (تفسیر نمونه، ج ۲: ۶۱).

ج. **رابطه ایمان و تقوا و استقامت با نزول برکات:** در آیه اول می‌فرماید اگر کتاب خدا و آیات نازل از طرف او را در جامعه اقامه می‌کردند، از سر تا پا غرق نعمت می‌شدند: **لَاكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ** (مائده ۶۶). در آیه دیگر، استقامت در راه راست را مایه سیراب شدن و بهره‌مندی می‌داند: **لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا** (جن ۱۶). در آیه سوم، ایمان و پرهیزگاری را موجب گشایش درهای برکت از آسمان و زمین اعلام می‌کند: **لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ** (اعراف ۹۶). به تعبیر یکی از بزرگان، سنت دائمی خداوند این است که عدالت در توزیع باعث فراوانی در تولید می‌شود. غلط است گمان بریم این کار موجب فقر می‌گردد (صدر: ۷۶).

د. **رابطه اراده ملتها با پیروزی و شکست آن‌ها:** یکی از سنت‌های عمومی الهی این است که هر تغییر و تحولی در سرنوشت جوامع بشری منوط به خواست و اراده و تلاش خودشان است: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ.** بنابراین، نباید عقب‌افتادگی‌های مسلمین را به اراده استعمار نسبت داد و خود را تبرئه کرد. بعضی آن را به قضا و قدر الهی ربط می‌دهند. ما دبیران و راهنمایان نونهالان جامعه باید مفهوم صحیح قضا و قدر را بدانیم و آن را چیزی حاکم بر اختیار انسان جلوه ندهیم. هیچ یک از سنت‌های الهی مزاحم و نفی‌کننده اراده انسان بر سرنوشت خود نیست! این‌که انسان اختیار دارد، خود یکی از سنت‌های خداوند و بخشی از تقدیرات اوست.

دهها قاعده دیگر بر جامعه و تاریخ بشر حاکم است که اطلاع از آن‌ها باعث نفوذ در آن‌ها و بهره‌مندی از آن‌ها می‌شود. هیچ حادثه‌ای در جهان و تاریخ به صورت تصادفی رخ نمی‌دهد. این کشف بزرگ را قرآن از زمان نزول خود برای ما بازگو کرده، اما دانشمند مسلمان - این **خلدون** - پس از هشت قرن، با مطالعات خود به آن رسید. بعد از او، حداقل چهار قرن طول کشید تا اروپا، در اوائل دوره رنسانس روی موضوع قانونمندی تاریخ کار کرد و به بعضی از این نظامات پی برد (همان، ص ۷۹).

سال‌ها دل طلب جام‌جم از ما می‌کرد
 آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد